

بررسی و تبیین توجیه اقتصادی هزینه‌های نظارت بر قراردادهای مشارکتی در بانکداری اسلامی

حبیب نوری احمد آبادی^۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۴ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۵

چکیده

هر چند بانکداری اسلامی در تئوری دارای مزیت‌های فراوانی است ولی این گونه اظهار می‌شود که در عمل نتوانسته به مزیت‌های خود دست یابد. یکی از مهم‌ترین دلایلی که برای عدم دست یابی بانکداری اسلامی به این مزیت‌ها عنوان می‌شود، هزینه‌های بالای نظارت و کنترل مرتبط با قراردادهای مشارکتی است. با این استدلال که این هزینه‌ها ناشی از وجود پدیده اطلاعات نامتقارن در این گونه قراردادها است، که اجرای آن‌ها را برای بانک با بی‌صرفگی همراه می‌کند. در این مقاله، ضمن تبیین چگونگی کارکرد اطلاعات نامتقارن در عقود مشارکتی مفید و مقرون به صرفه بودن استفاده از قراردادهای مشارکتی برای بانک‌ها؛ علی‌رغم هزینه بر بودن اجرای آن‌ها؛ بر محورهای چهارگانه؛ وجود فعالیت‌های نظارت محور مشابه، محدودیت قراردادهای وامی یا قرض با بهره، مزیت‌های قراردادهای مشارکتی، امکان کاهش اطلاعات نامتقارن مورد بررسی قرار گرفته و نتیجه‌گیری شده است که هزینه‌های نظارت بر قراردادهای مشارکتی در بانکداری اسلامی قابل توجیه است و لذا اجرا و توسعه این نوع عقود، بانکداری اسلامی را با موانع عمده‌ای مواجه نمی‌سازد.

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، قراردادهای مشارکتی، هزینه‌های نظارت و کنترل، اطلاعات نامتقارن.

طبقه بندی JEL: D82, G21

مقدمه

با تحریم ربا و منع فعالیت‌های ربوی که به معنای ممنوعیت شرط دریافت اضافی در ازای قرض می‌باشد، استفاده از قراردادهایی مانند مساقات، مضاربه، مزارعه، اجاره و... میان مسلمانان رواج بیشتری یافت. بعدها تشکیل موسساتی به نام بانک که کار اصلی آن‌ها دریافت و پرداخت وام با بهره شد، به تدریج در کشورهای مسلمان تحت سیطره مستقیم یا غیر مستقیم غربی‌ها، رایج شد و بانکداری مبتنی بر بهره در کشورهای اسلامی نیز رواج یافت. از سوی دیگر با احیای مجدد اسلام در قرن بیستم، مسلمانان به فکر تأسیس بانک‌هایی منطبق بر شریعت اسلامی افتادند؛ که اینک در نتیجه تلاش آن‌ها، بیش از سه دهه است که بانک‌های اسلامی شکل گرفته‌اند و بانکداری اسلامی در قالب جدید از رشد قابل توجهی هم برخوردار شده است. به گونه‌ای که امروزه نه تنها در کشورهای اسلامی، بلکه در کشورهای غیر اسلامی نیز شاهد حضور بانک‌ها و نهادهای مالی اسلامی در کنار بانک‌های متعارف^۱ هستیم. در حقیقت می‌توان گفت که هم اکنون بانک‌های اسلامی در سه محیط متفاوت در حال فعالیت هستند:

- ۱- کشورهایی که کل نظام بانکی آن‌ها اسلامی شده است. مانند ایران، پاکستان و سودان.
 - ۲- کشورهایی که بیشتر مردم آن مسلمانند؛ در این کشورها، بانک‌های اسلامی در کنار بانک‌های متعارف در حال فعالیت هستند. مانند کشورهای عربی حوزه خلیج فارس.
 - ۳- کشورهایی که بیشتر مردم آن غیر مسلمانند و بانکداری غالب در آن‌ها بانکداری متعارف است. و بانک‌هایی هم با ضوابط اسلامی در آن‌ها فعال هستند. مانند انگلستان (کارزاری و همکاران^۲، ۲۰۰۴: ۵۲۳).
- موضوع این مقاله درخصوص انواع بانک‌های اسلامی مذکور در هر سه محیط می‌باشد.

۱- طرح مسئله و هدف از آن:

برای بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری متعارف (بخصوص برای قراردادهای مشارکتی در آن) مزیت‌های فراوانی از قبیل: کاهش هزینه‌های تولید؛ افزایش سرمایه‌گذاری؛ افزایش تولید و عرضه کل؛ افزایش سطح اشتغال؛ کاهش سطح عمومی قیمت‌ها؛ تخصیص کارا تر منابع؛ توزیع عادلانه‌تر ریسک و درآمد؛ توزیع عادلانه تر وجوه اعتباری و... ذکر شده است. اما سوالی که مطرح می‌باشد این است که در عمل تا چه حد این مزیت‌ها در بانکداری اسلامی مشاهده شده است؟ در بعضی از بررسی‌های صورت گرفته (برای مثال: میلز و پرسلی^۳، ۱۹۹۹؛ چانگ و لیو^۱، ۲۰۰۸) عنوان شده است

1- Conventional Banks
2- karbhari,y & etal
3- Mills & Presley

که بانکداری اسلامی نتوانسته است به مزیت‌های خود دست یابد. صاحب‌نظران دلایل مختلفی را برای عدم حصول این مزیت‌ها در بانکداری اسلامی عنوان کرده اند، مانند: هزینه بالای نظارت و کنترل، صوری بودن قراردادهای، نبود چارچوب حقوقی، قانونی مناسب، نبود وحدت فقهی، شرعی، شبه ربوی بودن عملیات بانکی، مسئله رقابت با بانک‌های متعارف، فقدان آموزش، تحقیق و توسعه و... (برای مثال: منظور، داوود و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۰۰-۳۸۸ و کارزاری و همکاران ۲۰۰۴-۵۳۰-۵۲۳) از جمله مهم‌ترین ادله ذکر شده هزینه‌های بالای نظارت و کنترل مرتبط با قراردادهای مشارکتی است که ناشی از وجود پدیده اطلاعات نامتقارن در این گونه قراردادهای است، به گونه‌ای که به نظر می‌رسد نظارت و کنترل را برای بانک با بی‌صرفگی مواجه می‌کند. از آن‌جا که بسیاری از اقتصاددانان مسلمان بیان می‌کنند که الگوی مطلوب بانکداری اسلامی؛ الگویی است که در آن قراردادهای مشارکت در سود و زیان اساس بانکداری اسلامی را تشکیل دهد؛ و از قراردادهای مبادله‌ای به طور کمی و در مواقعی که قراردادهای مشارکتی کاربرد ندارند استفاده شود. در این مقاله درصد آن هستیم که نشان دهیم علی‌رغم هزینه بر بودن اجرای قراردادهای مشارکتی بازهم بکارگیری آن‌ها برای بانک‌ها و جامعه مقرون به صرفه و مفید خواهد بود. برای این منظور؛ در آغاز روش‌های تخصیص منابع در بانکداری اسلامی را بیان کرده و سپس پدیده اطلاعات نامتقارن را در بانکداری اسلامی تشریح می‌کنیم. پس از آن نیز دلایل قابل توجه بودن هزینه‌های نظارت و کنترل قراردادهای مشارکتی را بررسی می‌نماییم. نتیجه‌گیری و جمع بندی از این بحث هم در ادامه خواهد آمد.

۲- تخصیص منابع در بانکداری اسلامی

بانکداری اسلامی بانکداری منطبق بر شریعت اسلام است. دو اصل مهمی که این نوع بانکداری برپایه آن عمل می‌کند. ممنوعیت ربا و تسهیم ریسک^۲ است. ربا طبق احادیث امامان علیهم السلام به معنای شرط دریافت اضافی در ازای قرض می‌باشد و تسهیم ریسک بدین معنی است که بانک‌های اسلامی باید بر مبنای تقسیم سود و زیان^۳ عمل کنند. از مشهورترین شکل‌های PLS، مضاربه و مشارکت است. در بانکداری اسلامی تسهیلات اعطایی در قالب عقود منطبق با شریعت

1-Chong&Liu

2- Risk- Sharing

3- Profit & Loss Sharing:pls

اسلامی در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد. عقود اسلامی در قالب دو دسته عقود مشارکتی و عقود مبادله‌ای تقسیم بندی می‌شوند. که توضیح اجمالی آن‌ها به صورت زیر است^۱:

۲-۱ قراردادهای مشارکتی و ویژگی‌های آن:

مطابق فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها می‌توانند از طریق قراردادهای مشارکتی زیر، کل یا بخشی از سرمایه مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی را تأمین مالی کنند (هدایتی و همکاران، ۱۳۸۱، ۳۳۳)

أ. **مشارکت مدنی:** براساس عقد شرکت بانک بخشی از سرمایه مورد نیاز بنگاه اقتصادی را تأمین کرده، در مالکیت و به دنبال آن در سود بنگاه شریک می‌شود.

ب. **مشارکت حقوقی:** بانک با تخصیص بخشی از منابع، به خرید بخشی از سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اقدام کرده، همانند سایر سهامداران در سود شرکت شریک می‌شود.

ج. **مضاربه:** بانک براساس قرارداد مضاربه، سرمایه مورد نیاز تاجر و بنگاه تجاری را تأمین کرده، طبق توافق در سود فعالیت بازرگانی شریک می‌شود.

د. **مزارعه:** بانک براساس قرارداد مزارعه، زمین مورد نیاز زارع برای کشاورزی و زراعت را فراهم کرده، در اختیار او می‌گذارد و طبق توافق، محصول زراعی را بین خود تقسیم می‌کنند.

ه. **مساقات:** بانک براساس قرارداد مساقات، باغ مورد نیاز باغبان را فراهم کرده، در اختیار او می‌گذارد و طبق توافق، محصول باغ را بین خود تقسیم می‌کنند.

ویژگی‌های عقود یا قراردادهای مشارکتی عبارتند از: انتظاری بودن انتفاع طرفین قرارداد، متغیربودن نرخ سود، ایجاد رابطه شراکت بین صاحبان پول (که به سرمایه مبدل می‌شود) و متقاضیان سرمایه‌گذاری با ایفای نقش و کالت از سوی بانک، نظارت و کنترل، ارتباط با بازار حقیقی اقتصاد.

۲-۲ عقود مبادله‌ای و ویژگی‌های آن:

بانک‌ها از طریق عقود (قراردادهای) مبادله‌ای هم با استفاده از منابع در اختیار گرفته تقاضای متقاضیان را پاسخ می‌دهند (هدایتی و همکاران، ۱۳۸۱: ۳۳۲)

أ. **فروش اقساطی:** خرید کالای مورد نیاز متقاضی به صورت نقد با احتساب سود، و فروش آن به صورت نسبه (اقساطی) به متقاضی.

۱- هم اکنون چندین نوع بانک اسلامی در جهان در حال فعالیت هستند. در این مقاله روش‌های تخصیص منابع بانک‌های اسلامی در چارچوب الگوی بانکداری بدون ربا ایران یا همان قانون عملیات بانکداری بدون ربا بررسی می‌شود.

ب. **اجاره به شرط تملیک:** تهیه سرمایه ثابت و مستغلات مورد نیاز متقاضیان به صورت نقد با احتساب سود و واگذاری آن به صورت اجاره به شرط تملیک به متقاضیان.

ج. **جعلاله:** تملک خدمات مورد نیاز متقاضیان به جعلاله نقدی، و تملیک آن در جعلاله ثانوی به صورت اقساطی به متقاضی.

د. **سلف:** پیش خرید بخشی از محصول آینده متقاضی به منظور تأمین نقدینگی و سرمایه در گردش مورد نیاز وی.

ه. **خرید دین:** خریداری (تنزیل) اسناد مالی (طلب) مدت دار متقاضی با احتساب سود. و. **مراجعه:** معامله‌ای است که فروشنده قیمت تمام شده کالا (قیمت خرید و هزینه مربوط) را به اطلاع مشتری می‌رساند و سپس تقاضای مبلغ یا درصدی به عنوان سود می‌کند. (پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۰: ۱-۲)

ز. **استصناع:** استصناع یا قرارداد سفارش ساخت، قراردادی بین دو شخص حقیقی و حقوقی مبنی بر تولید کالای خاص یا احداث طرح خاص است که در آینده ساخته و قیمت آن نیز در زمان یا زمان‌های توافق شده به صورت نقد یا اقساط پرداخت می‌شود (پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۰: ۶)

ویژگی‌های عقود (قراردادهای مبادله‌ای) نیز در انتفاعی بودن قرارداد، معین بودن سود آن، مشارکتی نبودن، عدم نیاز به نظارت و کنترل و نیاز به ارتباط با بازار حقیقی اقتصاد می‌باشد. البته به نظر می‌رسد به لحاظ تاریخی اولویت استفاده از قراردادهای مشارکتی بجای قراردادهای مبادله‌ای به صدر اسلام برمی‌گردد که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از تحریم ربا، در امور سرمایه‌گذاری، مردم را به سمت عقود مشارکتی هدایت کردند. برای مثال: پس از فتح خیبر و شکست قوم یهودی، پیامبر (ص) اراضی و باغ‌های خیبر را براساس عقد مضاربه و مساقات در اختیار یهودیان قرارداد و این در حالی بود که احتمال خیانت و گزارش خلاف از سوی آنان در مورد میزان محصول بسیار بالا بود و پیامبر (ص) می‌توانست از طریق عقد اجاره با آنان قرارداد ببندد. (موسویان، ۱۳۸۱: ۱۷۲).

اما علی‌رغم این بیان تاریخی این سوال مطرح می‌باشد که چه عاملی باعث شده است که در عمل بانک‌های اسلامی بیشتر به سمت استفاده از قراردادهای مبادله‌ای گرایش داشته باشند؛ و از قراردادهای مشارکتی کمتر استفاده کنند؟ شاید بتوان پاسخ این سوال را این گونه بیان کرد که یکی از ویژگی‌های قراردادهای مشارکتی این است که برخلاف قراردادهای وامی (در بانکداری متعارف) و قراردادهای مبادله‌ای (در بانکداری اسلامی) نیاز به نظارت و کنترل دارند؛ همین ویژگی است که

هزینه این قراردادها را بالا برده و مولد این دیدگاه شده که اجرای این گونه قراردادها برای بانکها مقرون به صرفه نیست؛ و لذا بانکها کمتر از آن استفاده می‌کنند.

۳- تخصیص منابع در بانکداری متعارف

در بانکداری متعارف بانک‌های تجاری به‌طور معمول منابع خود را به دو روش به‌کار می‌گیرند:

۱. اعطای وام و اعتبار (قراردادهای وامی): بخش عمده منابع بانکها در بانکداری متعارف، اعم از منابع خود بانک و منابع حاصل از سپرده‌ها به‌صورت وام و اعتبار در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد. که به تأمین مالی از طریق ایجاد بدهی یا تأمین مالی از طریق وام شهرت دارد. ماهیت حقوقی اغلب قراردادهای وام و اعتبار، قرض با بهره است.
۲. سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها: در بانکداری متعارف، بانک‌های تجاری بخشی از منابع خود را به نگهداری طلا، ارز و سایر دارایی‌های درآمدزا مانند اوراق قرضه، اوراق سهام ممتاز و در موارد خاصی اوراق سهام عادی اختصاص می‌دهند.

۴- بررسی مسئله اطلاعات نامتقارن در قراردادهای مشارکتی و بانکداری متعارف:

یکی از مهم‌ترین موانع (اگر مهم‌ترین مانع نباشد) بر سر راه اجرای قراردادهای مشارکت در سود و زیان، هزینه‌های بالای نظارت و کنترل بر پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشارکتی است. این هزینه‌ها ناشی از وجود اطلاعات نامتقارن^۱ در این گونه پروژه‌ها می‌باشد.

اطلاعات نامتقارن هنگامی وجود دارد که یکی از دو طرف معامله اطلاعات بیشتری از جوانب مختلف موضوع مورد معامله (برای مثال کیفیت پروژه سرمایه‌گذاری، میزان سوددهی پروژه و...) نسبت به طرف مقابل داشته باشد.

در بازارهای مالی پدیده اطلاعات نامتقارن ممکن است پیش یا پس از بسته شدن قرارداد رخ دهد، این رخدادها تحت عناوین انتخاب نامناسب یا معکوس^۲ و خطرات اخلاقی^۳ شناخته می‌شوند.

۴-۱ انتخاب نامناسب:

یکی از مسائلی که بانکها با آن مواجه هستند، مربوط به اطلاعات نامتقارن پیش از قرارداد می‌باشد که ناشی از چگونگی شرایط (کیفیت گیرنده تسهیلات، کیفیت پروژه سرمایه‌گذاری، میزان سوددهی پروژه و...) است. اشخاص حقیقی و حقوقی که می‌خواهند تأمین مالی شوند، اطلاعات

1- Asymmetric Information

2- Adverse Selection

3- Moral Hazard

بیشتری نسبت به چگونگی شرایط خود(مانند مهارت و تجربه کاری و کیفیت پروژه سرمایه‌گذاری، میزان سوددهی، میزان ریسک و...) دارند. بیشتر متقاضیان برای این که نظر بانک‌ها را برای عقد قرارداد جلب کنند، تلاش می‌کنند میزان سوددهی پروژه و توانایی خود در انجام پروژه و مواردی از این قبیل را خوب جلوه دهند.

در نتیجه بانک‌ها برای تفکیک پروژه‌های مناسب‌تر ممکن است ناچار به افزایش سهم سود موکلان خودشان از قرارداد شوند. هر چه سهم سود موکلان بانک بالاتر باشد متقاضیان کمتری برای اخذ تسهیلات به بانک مراجعه می‌کنند. و کسانی بیشتر به بانک مراجعه می‌کنند که کیفیت خودشان یا کیفیت پروژه سرمایه‌گذاریشان یا هر دو پایین است. زیرا می‌دانند که در شرایط برابر بانک‌ها متقاضیان با کیفیت بالا را انتخاب خواهند کرد در نتیجه حاضر می‌شوند که با سهم سود بالاتر به نفع موکلان بانک، تقاضای اخذ تسهیلات کنند. از سوی دیگر بانک‌ها نیز به این مسئله پی خواهند برد که اکثراً متقاضیان با کیفیت پایین تقاضای تسهیلات می‌کنند. بنابراین انگیزه آن‌ها برای اعطای تسهیلات کاهش خواهد یافت. این پدیده که پیش از بسته شدن قرارداد رخ می‌دهد اطلاعات نامتقارن نوع اول است و انتخاب نامناسب نامیده می‌شود. زیرا هدف بانک‌ها یافتن متقاضی مناسب است اما در عمل با متقاضی نامناسب قرارداد می‌بندند.

پدیده انتخاب نامناسب هنگامی حادث می‌شود که تأمین مالی از طریق وام نیز در کنار تأمین مالی مشارکتی وجود داشته باشد. در چنین شرایطی متقاضیان تسهیلات که کیفیت بالایی دارند به سمت تأمین مالی از طریق وام کشانده می‌شوند. (پرایور^۱، ۱۹۸۵: ۱۹۷) یعنی کسانی که پروژه سرمایه‌گذاری آن‌ها دارای سودآوری انتظاری بالایی است، تأمین مالی از طریق وام را انتخاب خواهند کرد. و پروژه‌های سرمایه‌گذاری پرخطر یا دارای مزیت‌های غیر پولی بالا اما سودهای قابل تشخیص کم، به سمت تأمین مالی مشارکتی سوق خواهند یافت. (میلز و پرسلی، ۱۹۹۹) زیرا برای مثال پروژه سرمایه‌گذاری که سودآوری بالایی دارد؛ از طریق وام هم تأمین مالی خواهد شد، چون از این طریق فقط هزینه ثابتی به نام بهره پرداخت می‌شود و سود نصیب صاحب پروژه می‌گردد؛ در حالی که اگر پروژه با قرارداد مشارکتی تأمین مالی شود، بخش زیادی از سود را از دست خواهد داد (بخش زیادی از سود نصیب بانک به عنوان موکل سپرده‌گذاران می‌شود).

هم‌چنین سرمایه‌گذارانی که پروژه آن‌ها دارای سودآوری کمتری است، تأمین مالی مشارکتی را انتخاب خواهند کرد. افزون بر این سرمایه‌گذارانی که سود مورد انتظار خود را بالا جلوه می‌دهند به این امید که بتوانند بانک را قانع کنند نسبت سهم سود کمتری را برای موکلانش در نظر بگیرد، به

سوی این نوع تأمین مالی کشانده می‌شوند. (نین هوس^۱، ۱۹۸۳: ۳۷-۴۷) بر این اساس بانک‌ها باید پروژه‌های سرمایه‌گذاری را با دقت بالاتری ارزیابی کنند، کاری که موجب بالا رفتن هزینه ارزیابی پروژه‌ها و به دنبال آن افزایش هزینه تسهیلات اعطایی می‌شود.

۴-۲ خطرات اخلاقی:

از دیگر آثار اطلاعات نامتقارن، پدیده خطرات اخلاقی است که مربوط به پس از انعقاد قرارداد می‌شود و آن هنگامی است که سرمایه‌گذار وجوه را بر خلاف قرارداد مورد استفاده قرار دهد یا اینکه در پایان فعالیت سود را کمتر از حد یا زیان را بیشتر از حد جلوه دهد.

پدیده خطرات اخلاقی در کشوری که سیستم قانونی، مالیاتی و حسابرسی منسجمی ندارد بیشتر رخ خواهد داد. بدین صورت که سرمایه‌گذار یا تأمین مالی شده^۲ می‌تواند از طریق افزایش پاداش‌های غیر نقدی^۳ برای خود (مانند خوش‌گذرانی و فراغت بیش از حد) یا با متوسل شدن به ترفندهای حسابداری، میزان سوددهی طرح را کمتر گزارش کند (میلز و پرسلی، ۱۹۹۹: ۲۷).

خطرات اخلاقی از جمله مهم‌ترین چالش‌های بانک، در اجرای قراردادهای مشارکتی است. بانک اگر بخواهد به درستی قرارداد مشارکتی را اجرا کند؛ یا باید در همه قراردادهای حضور و نظارت کافی داشته باشد که هزینه زیادی را متوجه بانک خواهد کرد و یا اگر بخواهد متقاضی را بدون نظارت رها کند ممکن است با مشکل خطرات اخلاقی مواجه شود.

هزینه‌های اضافی ناشی از لزوم جمع‌آوری اطلاعات، ارزیابی پروژه‌ها و هزینه‌های نظارت بر عملکرد صحیح سرمایه‌گذار منجر به افزایش هزینه‌های بانک و به نوبه خود موجب افزایش هزینه‌های تولید برای سرمایه‌گذاری می‌شود و در نتیجه هم انگیزه‌های بانک و هم انگیزه‌های سرمایه‌گذار را برای عقد قرارداد کاهش می‌دهد و مآلاً مزیت‌های قراردادهای مشارکتی را خنثی خواهد کرد.

بحث خطرات اخلاقی که منجر به افزایش هزینه‌های نظارت و کنترل قراردادهای مشارکتی می‌گردد باعث می‌شود که یا بانک‌ها از این قراردادها استفاده نکنند و یا به صورت صوری از آن‌ها استفاده کنند. روشن است که با صوری شدن قراردادهای مشارکتی؛ مزیت‌های آن‌ها نیز از دست می‌رود.

1- Nienhaus

2- Financee

3- Non-Pecuniary Rewards

۵- موجه بودن هزینه‌های نظارت و کنترل قراردادهای مشارکتی

با لحاظ مطالب پیش گفته، این بحث مطرح می‌باشد که با وجود اطلاعات نامتقارن و به دنبال آن هزینه‌های بالای نظارت و کنترل؛ آیا اجرای قراردادهای مشارکتی قابل توجیه است. یا به عبارت دیگر آیا مزایای قراردادهای مشارکتی باعث خواهد شد که علی‌رغم هزینه‌های بالای نظارت و کنترل مربوط به این نوع قراردادها؛ همچنان از آن‌ها استفاده شود؟ موجه بودن هزینه‌های نظارت و کنترل مربوط به قراردادهای مشارکتی در چهار محور ذیل قابل بررسی است:

۱- وجود فعالیت‌های نظارت محور مشابه.

۲- محدودیت قراردادهای وامی (قرض با بهره).

۳- مزیت‌های قراردادهای مشارکتی.

۴- امکان کاهش اطلاعات نامتقارن.

۵-۱ وجود فعالیت‌های نظارت محور مشابه^۱

امروزه فعالیت‌های بسیار بزرگی که مبتنی بر نظارت هستند در دنیای اقتصاد جریان دارد که مشکل نظارت آن‌ها را محدود نکرده؛ و روز به روز فعالیت‌های آن‌ها گسترش می‌یابد. برخی از این فعالیت‌ها عبارتند از:

الف- در شرکت‌های سهامی حجم بسیاری از سهام به سهام‌داران جزء تعلق دارد؛ به گونه‌ای که سهام افراد در مقایسه با کل داراییهای شرکت ناچیز است. و هر سهامدار به دلیل بالا بودن هزینه‌های نظارت به تنهایی نمی‌تواند بر اقدامات مدیران نظارت داشته باشد؛ اما در عمل با در نظر گرفتن تمهیداتی چون حسابرسی سالانه، شرکت سهام داران در مجمع سالانه، انتخابی بودن هیئت مدیره و... امکان تخلف مدیران به حداقل می‌رسد.

ب- استمرار فعالیت شرکت‌های بیمه، گواه این مطلب است که می‌توان با نوآوری روش‌های کار، گزارشهای نادرست را از بین برد یا به حداقل رساند. پوشش روزافزونی که این صنعت ارائه می‌کند. این واقعیت را بیان می‌کند که این صنعت به راه‌هایی دست یافته است که خدمات بیمه را در زمینه‌هایی عرضه کند که در گذشته به دلیل کمبود اطلاعات کافی امکان عرضه آن میسر نبوده است.

ج- تمام نظام‌های مالیاتی مستقیم اعم از: مالیات بر سود، مالیات بر درآمد مؤسسات و خانوارها مبتنی بر نظارت است و این در حالی است که در کشورهای توسعه یافته سهم عمده‌ای از مالیات‌ها از این نوع می‌باشند. به این ترتیب که، سالانه میلیون‌ها مؤدی مالیاتی (اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی) با پر کردن اظهارنامه مالیاتی سود و درآمد خود را به دولت

۱- این بخش برگرفته از مسعودخان، ۱۳۷۰؛ موسویان ۱۳۸۱ الف: ۸۲-۸۰ و ۱۳۸۱ ب: ۳۰۵-۳۰۰ می‌باشد.

گزارش می‌دهند و دولت با کنترل آن‌ها مالیات متعلقه را وصول می‌کند. گسترش روزافزون مالیات‌های مستقیم (در مقابل مالیات‌های غیرمستقیم که نیازی به نظارت و کنترل ندارد) بیانگر این واقعیت است که می‌توان با نوآوری روش‌ها و راهکارهای مناسب، هزینه‌های کنترل و نظارت را تا حد قابل قبولی کاهش داد.

بنابراین هرچند قراردادهای مشارکتی به دلیل نیاز به نظارت در مقایسه با قراردادهای وامی و عقود مبادله‌ای هزینه دارد (به ویژه در مرحله گذر به سوی شیوه‌های کارای نظارت)؛ اما این هزینه‌ها، نباید آن اندازه زیاد باشد که بتواند مزایای نظام مشارکتی را خنثی کند.

۵-۲ محدودیت‌های قراردادهای وامی (قرض با بهره)^۱

تأمین مالی از طریق وام نیز علی‌رغم صرفه جویی در مورد برخی از هزینه‌های نمایندگی^۲ با نقص‌هایی مواجه است.

از آن‌جا که سود پیش روی بنگاه متغیر و گاهی اوقات هم غیرقابل پیش بینی است؛ در نتیجه هر تعهدی برای پرداخت یک بازده ثابت (بهره) به تأمین کننده وام، احتمال ورشکستگی وام گیرنده را به طور قابل توجهی افزایش می‌دهد. زیرا سود مورد انتظار بنگاه ممکن است در واقعیت محقق نشود یا حتی بنگاه زیان کند، اما صاحب بنگاه ناگزیر است که بهره وام دریافتی را بپردازد. بنابراین در صورتی که بنگاه‌ها هزینه‌های ثابتی از طریق تأمین مالی وامی تقبل کرده باشند؛ ممکن است در بازپرداخت آن دچار مشکل شده و با ورشکستگی مواجه شوند.

البته این پدیده زمانی که بانک و سرمایه‌گذار هر دو ریسک خنثی باشند و یا هزینه‌های ورشکستگی کم باشد، مسئله ساز نخواهد بود. ولی در واقعیت باید گفت که هم هزینه‌های ورشکستگی بالا است و هم دو طرف قرارداد در اکثر موارد ریسک‌گریز هستند. و لذا مسئله سازی تأمین مالی از طریق وام به طور جدی تهدیدکننده بنگاه است.

در هر اقتصادی با بازارهای دارایی مالی ثانویه، استفاده کننده از سرمایه احتمالاً در معرض ریسک بیشتری قرار می‌گیرد. برخی مانند آرو^۳ (1971:136) بر این باورند که هنگامی تخصیص ریسک کارا خواهد بود که از طریق تخصیص ریسک بیشتر به کسی که ریسک‌گریزی کمتری دارد به هر دو طرف قرارداد سود برسد.

بنابراین به گفته هیکس^۴ (۱۹۸۲) بدهی‌های متغیر (برای مثال تأمین مالی از طریق شراکت) که این اختیار را به سرمایه‌گذار می‌دهد که بخشی از ریسک را به عرضه کننده سرمایه منتقل کند؛

۱- این بخش از Mills & Presley, 1999 اقتباس شده است.

2- Agency Costs

3 - Arrow

4-Hicks

سرمایه‌گذار را در شرایط سخت تجاری در برابر ریسک ورشکستگی بیمه می‌کند، زیرا با کاهش درآمدهای مورد انتظار سرمایه‌گذار، بدهی‌های او نیز کاهش می‌یابد. افزون بر این در شرایط تجاری خوب نیز سرمایه‌گذاران سود تقسیم شده بالاتری را به عرضه‌کننده سرمایه پرداخت می‌کنند. بنابراین با تبدیل تأمین مالی از طریق وام به تأمین مالی از طریق شراکت به هر دو طرف قرارداد سود می‌رسد و مطابق با گفته آرو تخصیص ریسک کارا تر خواهد شد.

از این روی استدلال می‌شود که اگر تنها تأمین مالی از طریق وام ممکن باشد. ریسک‌گریزی استفاده‌کنندگان از سرمایه، به شدت سرمایه‌گذاری را کاهش خواهد داد؛ به ویژه در آن فعالیت‌هایی که با یک جریان درآمدی نوسانی همراه هستند. هم‌چنین با احتمال بیشتر ورشکستگی در دوران رکود، نظام مالی شکننده‌تری به وجود خواهد آمد. هنگامی که بنگاه‌ها در شرایط رکودی (به دلیل زیان درآمدی و پرداخت هزینه ثابت (بهره)) ورشکست می‌شوند؛ آثار جانبی منفی بر مشتریان و عرضه‌کنندگان سرمایه منتقل می‌کنند. لذا یک نظام مالی که به طور کامل مبتنی بر وام باشد، یک اقتصاد را با کمبود ریسک‌پذیری و یک سیکل تجاری نوسانی تر همراه خواهد کرد. افزون بر این به تسهیم ریسک غیر بهینه‌ای که تأمین مالی از طریق وام وجود می‌آورد، شکل‌های خاص خودش را از منظر هزینه نمایندگی در یک جهان با اطلاعات نامتقارن دارد (جنسن و مک‌کلینگ^۱، ۱۹۷۶: ۳۳۳).

تأمین مالی وامی گر چه ممکن است روی ملزومات اطلاعاتی صرفه‌جویی کند، اما هنوز عرضه‌کننده سرمایه باید بر وام‌گیرنده نظارت داشته باشد؛ زیرا ورشکستگی نه تنها از نظر اداری برای وام‌دهنده پر خرج است، بلکه ممکن است به دلیل اینکه دارایی‌های وام‌گیرنده به وسیله بدهی‌های دیگری محدود شده باشد یا به وسیله حکم‌های قضایی از آن حفاظت شود یا به دلیل اینکه وثیقه بیش از حد ارزش‌گذاری شده یا ارزش آن کاهش یافته باشد، وام‌دهنده (عرضه‌کننده سرمایه) دچار زیان سرمایه‌ای شود. بنابراین وام‌دهنده هنوز باید از این مطلب مطمئن شود که وام‌گیرنده ریسک ورشکستگی زیادی را متحمل نشود.

۳-۵. مزیت‌های قراردادهای مشارکتی

مزیت‌های قراردادهای مشارکتی شامل: کاهش هزینه‌های تولید؛ افزایش سرمایه‌گذاری؛ افزایش تولید و عرضه کل؛ افزایش سطح اشتغال؛ کاهش سطح عمومی قیمت‌ها؛ تخصیص کارا تر منابع؛ توزیع عادلانه تر ریسک و درآمد؛ توزیع عادلانه تر وجوه اعتباری و... می‌باشد (نوری احمدآبادی، ۱۳۸۹؛ موسویان، ۱۳۸۱ الف: ۷۶-۶۱، عیوضلو، میسمی، ۱۳۸۷: ۱۸۴-۱۶۶).

مزیت‌های قراردادهای مشارکتی و منافع فراوان ناشی از آن، پوشش یا برعهده گرفتن هزینه‌های نظارت و کنترل بر این قراردادها را (هر چند بالا باشد) برای جامعه قابل توجیه می‌کند. البته ممکن است در مواردی هم علی‌رغم منافی که به طور مستقیم از طریق بکارگیری قراردادهای مشارکتی به بانک‌ها می‌رسد (و افزون بر این بهبود وضعیت جامعه نیز به طور غیر مستقیم به بانک‌ها نفع می‌رساند)، امکان توجیه هزینه نظارت و کنترل این گونه قراردادها فراهم نشود.

برای پی‌بردن به قابل توجیه بودن یا نبودن هزینه نظارت و کنترل قراردادهای مشارکتی باید در عمل رفتار بانک‌ها را مشاهده کرد. بر این مبنا طی مطالعه‌ای که در مورد بانک کشاورزی انجام گرفته به این مطلب پی‌برده شده است که انجام نظارت هنگام اعطای تسهیلات، اطلاعاتی را برای بانک فراهم می‌کند که به وصول مطالبات در موقع مقرر، کمک کرده و در نتیجه منفعت قرارداد را افزایش داده و خطر به تعویق افتادن یا سوخت^۱ آن را کاهش می‌دهد. (صدر، ۱۳۸۴: ۹۶-۹۵) هم‌چنین اطلاعات به دست آمده از طریق نظارت نه تنها وصول مطالبات را در هر سال تسهیل می‌کند، بلکه تخصیص مجدد تسهیلات در سال‌های آینده را نیز بهبود می‌بخشد. به همین جهت مدیران بانک علی‌رغم حساس بودن به هزینه قراردادها و کوشش برای ساده سازی آن‌ها، به تجربه دریافته‌اند که اقدام به نظارت و مراقبت موجب افزایش منافع و کاهش خطرات قراردادها می‌شود، و از این رو تداوم آن را حفظ کرده‌اند. (همان)

علی‌رغم آن‌چه آمد، آن‌چه عملاً در کشور شاهد آن بوده‌ایم، این است که بیشتر بانک‌ها، تمایل چندانی نسبت به بستن قراردادهای مشارکتی ندارند و بیشتر به سمت استفاده از قراردادهای مبادله‌ای گرایش دارند. گواه این مطلب نیز رشد مداوم قراردادهای مبادله‌ای از زمان اجرای عملیات بانکی بدون ربا به بعد بوده است. (موسویان، ب ۱۳۸۱)

در دیگر کشورهای اسلامی نیز تقریباً بانک‌های اسلامی به همین منوال عمل کرده‌اند، یعنی بیشتر به سمت قراردادهای مبادله‌ای گرایش داشته‌اند تا قراردادهای مشارکتی (میلز و پرسلی، ۱۹۹۹: ۵۷-۴۹) برای مثال چانگ و لیو (2008: 2-3) طی مطالعه‌ای که در مورد بانک‌های اسلامی کشور مالزی داشته‌اند، به این مطلب پی‌برده‌اند که تنها نیم درصد (۰/۵٪) تأمین‌مالی بانک‌های اسلامی بر اساس قراردادهای مشارکتی (مضاربه و مشارکت) است و بانک‌های اسلامی بیشتر به بستن قراردادهای شرعی دیگر گرایش دارند. هم‌چنین آن‌ها بیان می‌کنند که

1-default

۲- البته در چند سال گذشته پس از دستور کاهش نرخ سود بانکی برای قراردادهای مبادله‌ای؛ بانک‌ها به ویژه بانک‌های خصوصی گرایش بیشتری به سمت استفاده از قراردادهای مشارکتی پیدا کرده‌اند.

اقتباس روش مشارکت در سود و زیان توسط بانکها در طرف داراییها کندتر از طرف بدهیها بوده است.

۵-۴. امکان کاهش اطلاعات نامتقارن:

راه دیگر توجیه پذیري نظارت و کنترل قراردادهای مشارکتی این است که هزینه‌های نظارت بر پروژه‌های سرمایه‌گذاری کاهش یابد. این هزینه‌ها را می‌توان از طریق کاهش اطلاعات نامتقارن کاهش داد. در دنباله چند مورد از راه‌های کاهش اطلاعات نامتقارن را بررسی خواهیم کرد:

۵-۴-۱ افزایش سرمایه اجتماعی و باز تولید فرهنگ اعتماد در آموزه‌های دینی^۱

یکی از کارکردهای آموزه‌های اسلامی افزایش سرمایه اجتماعی و ارتقای فرهنگ اعتماد متقابل میان افراد در قراردادهای مالی است.

بررسی آیات قرآن و روایات پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) نشان دهنده آن است که اسلام در صدد باز تولید و افزایش اعتماد در میان مسلمانان(حتی با غیر مسلمانانی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند) می‌باشد. و تلاش کرده است از راه‌های گوناگون این مهم را انجام دهد. برای مثال از طریق برپایی عدل و قسط میان مردم به عنوان هدف رسالت انبیا (حدید، آیه ۲۵)؛ رواج حسنات و نکویش رذیلت‌های اخلاقی از طریق سفارش به راست‌گویی، امانت‌داری و وفای به عهد که کنش‌های جمعی را تسهیل کرده، هزینه ارتباطات اجتماعی را کاهش می‌دهد (برای مثال مومنون آیه ۸، مائده آیه ۱ و...) سفارش به رعایت آداب معاملات از طریق: نهی شدید از کاستن ارزش کار و کالای مردم، نفی حیل‌گری در خرید و فروش، مذمت کم‌فروشی و... (برای مثال مطففین آیه ۱) نظامی را ترسیم می‌کند که در آن ارتباطات و کنش‌های جمعی با سهولت بیشتری صورت گرفته و اعتماد افراد جامعه را تقویت می‌کند. چرا که به واسطه آن، موانع ایجاد اعتماد در سطح جامعه و نیز مؤلفه‌های آسیب زنده به آن از بین می‌رود، رعایت آداب معاملات در اندیشه دینی از تخریب اعتماد در سطوح گوناگون جلوگیری کرده، زمینه ساز شکل‌گیری سرمایه اجتماعی برون گروهی را مبتنی بر اعتماد تعمیم یافته فراهم می‌کند. و بالاخره سفارش به برآوردن نیازهای مردم از جمله آدابی است که ایجاد اعتماد میان افراد جامعه اسلامی و نهادهای آن را به دنبال خواهد داشت. امر به رفع نیازهای مسلمانان، اگرچه خود نیازمند وجود سطح قابل قبولی از اعتماد میان اقشار جامعه است، اما خود نیز می‌تواند پشتوانه نظری برای ایجاد اعتماد میان مردم و نیز نهادهای اجتماعی فراهم آورد.

۱- مطالب این بخش برگرفته از مقاله نظریور و منتظری مقدم(۱۳۸۷: ۵۵-۴۷) است.

در مجموع اسلام با شیوه‌هایی که برخی از آن‌ها ذکر گردید می‌تواند بر مشکل اطلاعات نامتقارن فائق آمده و زمینه انتشار بهتر اطلاعات را فراهم کند. در واقع تسهیل در گردش اطلاعات، عدم تقارن اطلاعاتی را از بین می‌برد و از این طریق هزینه‌های نظارت را به شدت کاهش می‌دهد.

۵-۴-۲ ایجاد چارچوب نهادی مناسب:

نظام‌های بانکی سازمان یافته و قاعده‌مند، همواره از زیر ساخت‌های خاص و توانمندی برخوردارند که به کمک آن‌ها می‌توانند پوشش حمایتی مناسبی را برای بانک‌ها و مؤسسات مالی خود، فراهم آورند. همان‌طوری که در نظام‌های مالی غیر اسلامی، بانک‌ها و مؤسسات مالی از راه‌های گوناگون تحت حمایت این زیرساخت‌ها قرار دارند و با استفاده از همین حمایت‌ها، عملیات و فعالیت‌های روزانه خود را به پیش می‌برند و بسیاری از هزینه‌های جانبی خود را کاهش می‌دهند، (سوله، ۲۰۰۷: ۱۸) می‌توان در کنار بانک‌های اسلامی نیز گروهی از نهادهای دیگر ایجاد کرد تا زنجیره نهادی تکمیل شده و آن‌ها بتوانند به درستی فعالیت کنند. اگر اجزاء نظام به طور کامل ایجاد نشوند، نمی‌توان انتظار داشت که کلیت نظام بتواند عملکرد خوبی داشته باشد. این نکته از این منظر مهم است که هم اکنون بانک‌های اسلامی می‌کوشند که از چارچوب نهادی بانکداری متعارف به عنوان پشتیبان فعالیت‌های خود استفاده کنند، در حالی که باید چارچوب نهادی ویژه‌ای برای آن‌ها وجود داشته باشد که با هنجارها و نیازهای آن‌ها همگام و همسو باشد. از این رو باید نهادهایی مانند: بانک‌های سرمایه‌گذاری، مؤسسات اعتبارسنجی، شرکت‌های بیمه، مؤسسات امین، مؤسسات مشاوره سرمایه‌گذاری، صندوق‌های مشاع، نهادهای ناظر قانونی و شرعی و... با ویژگی‌های اسلامی تشکیل شود تا زنجیره نهادی نظام بانکی اسلامی تکمیل گردد. (منظور و همکاران، ۱۳۸۶: ۹۲-۹۱)

۵-۴-۳ گرفتن وثیقه یا تعهدضامن:

هر چند به لحاظ نظری گرفتن وثیقه توسط بانک از شریک خود با روح مشارکت در سرمایه‌گذاری سازگاری ندارد، لیکن آن‌چه فعلاً مرسوم شده آن است که با اخذ وثیقه یا معرفی ضامن هزینه‌های نظارت کاهش می‌یابد.

وثیقه یک دارایی است که از جانب وام‌گیرنده در گرو یا رهن وام‌دهنده قرار می‌گیرد که در صورت عدم توانایی وام‌گیرنده در بازپرداخت وام، وام‌دهنده بتواند بدهی خود را وصول کند. از آن‌جا که با وجود وثیقه زیان وام‌دهنده، هنگام ورشکستگی وام‌گیرنده کم می‌شود، وثیقه باعث کاهش انتخاب نامناسب می‌شود. البته راه دیگری نیز برای این کار وجود دارد و آن ضمانت شخص ثالث است. بدین‌وسیله می‌توان امیدوار بود که تعهد متقاضی به ضامن، انگیزه‌ای برای متقاضی به وجود آورد تا به نحو احسن تعهداتش را به اجرا در آورد. (صدر، ۱۳۸۴: ۸۲)

۵-۴-۴ ارزش ویژه:

ارزش ویژه، تفاوت بین دارایی‌ها و بدهی‌های شرکت است که نقش مشابه وثیقه را بازی می‌کند. هر قدر یک شرکت دارای ارزش ویژه بالاتری باشد، احتمال ورشکستگی آن کاهش می‌یابد، زیرا در صورتی که طرح‌های سرمایه‌گذاری زیان ببینند، می‌تواند از محل دارایی‌های خود، بدهی‌هایش را بازپرداخت کند. در واقع این زیادی ارزش ویژه، مسئله انتخاب نامناسب را حل کرده و حتی مشکل خطرات اخلاقی را نیز کاهش می‌دهد، چرا که در صورت بالا بودن ارزش ویژه، قرارداد مشارکت به گونه‌ای در می‌آید که آن را همسویی انگیزه‌ها می‌نامند که به معنی یکسان شدن انگیزه‌های ارائه‌دهنده و گیرنده تسهیلات است، هر اندازه ارزش ویژه گیرنده تسهیلات بیشتر باشد، وی می‌کوشد به گونه‌ای رفتار کند که مورد انتظار و خواست ارائه‌دهنده تسهیلات است، در این صورت مسئله خطرات اخلاقی تا اندازه زیادی حل خواهد شد. بنابراین ارائه‌دهنده تسهیلات نیز تمایل بیشتری به مشارکت با شرکت یا فردی دارد که دارای ارزش ویژه بیشتری است. (میشکین، ۱۳۷۸: ۲۵۰-۲۴۳)

۵-۴-۵ اجرای قراردادهای مقید^۱:

برای کاهش پدیده اطلاعات نامتقارن در بازارهای مالی، می‌توان قیدهایی را به عنوان شرایط معامله گنجاند. برای مثال برای جلوگیری از مشکل خطرات اخلاقی، می‌توان گیرنده تسهیلات را مقید کرد پروژه سرمایه‌گذاری‌اش را حتماً بیمه کند، یا در پروژه‌های پرخطر سرمایه‌گذاری نکند. هم‌چنین می‌توان وی را به دادن گزارش‌های حسابداری به طور دوره‌ای و مداوم مقید کرد. سرانجام، می‌توان متقاضی را ملزم به شرکت در هزینه‌های سرمایه‌گذاری و تقبل پرداخت دست کم بخشی از کل مخارج کرد. این اقدامات انگیزه بیشتری برای زود به ثمر رساندن پروژه سرمایه‌گذاری و آزاد شدن آورده‌های پس انداز کنندگان را فراهم می‌آورد. (صدر، ۱۳۸۴: ۸۳)

۵-۴-۶ حسن شهرت:

راه دیگر کاهش پدیده اطلاعات نامتقارن این است که زمینه‌ای فراهم شود تا سرمایه‌گذاران با کیفیت بالا (سرمایه‌گذاران خوش حساب و با تجربه) از دیگران بازشناخته شوند تا بانک بتواند راحت‌تر با آنان همکاری کند. پدید آوردن شرایط بروز حسن شهرت برای تسهیلات گیرندگان موجب شناسایی سریعتر آن‌ها و کاهش مشکل خطرات اخلاقی توسط آن‌ها می‌شود. برای مثال سرمایه‌گذارانی که سودآوری مناسبی داشته باشند و به موقع تعهدات خود را تصفیه کنند، امتیازاتی برای گرفتن تسهیلات مجدد اخذ خواهند کرد. (صدر، ۱۳۸۴: ۸۴-۸۳)

1- Restrictive Covenant

۵-۴-۷ تأمین مالی رابطه‌ای^۱:

به گفته میلز و پرسلی (۱۹۹۹) از دیگر راه‌های کاهش اطلاعات نامتقارن و هزینه‌های نمایندگی بستن قراردادها به شیوه چند دوره‌ای^۲ می‌باشد. الگوهای تأمین مالی شرکت‌ها قرارداد وام با بهره را بهینه در نظر می‌گیرند زیرا نه تنها سرمایه‌گذار را ریسک خنثی در نظر می‌گیرد، بلکه چون اغلب این گونه قراردادها به صورت یک یا دو دوره‌ای بسته می‌شوند (گیل و هلوینگ^۳، ۱۹۸۵: ۶۳-۶۴۷) طبق گفته بشیر^۴ (۱۹۸۳: ۳۳۴-۳۳۵) در طول یک دوره محدود، انگیزه سرمایه‌گذار برای تقلب حداکثر می‌شود، چون هیچ جریمه‌ای در آینده وجود ندارد. به همین خاطر است که گفته می‌شود قرارداد وامی بهینه است. زیرا این نوع قرارداد نسبت به قراردادهای مشارکتی در مقابل خطرات اخلاقی کمتر آسیب پذیر است.

اگر بخواهیم این مطلب را از منظر نظریه بازی‌ها بررسی کنیم، باید گفت که یک بازی یک دوره‌ای^۵ همراه با این مهم که دو طرف قرارداد انگیزه تقلب دارند، پیامدی جز تعادل نش غیرهمکارانه و ناکارا نخواهد داشت؛ اما یک بازی چند دوره‌ای به احتمال زیاد منجر به تعادل نش همکارانه و کارا خواهد شد. البته به شرطی که برای تقلب‌های فعلی، در آینده مجازات‌هایی در نظر گرفته شود. به طور مشابه مشکلات انتخاب نامناسب و خطرات اخلاقی را می‌توان به وسیله بستن قراردادهای چند دوره‌ای کاهش داد. (میلز و پرسلی، ۱۹۹۹).

بنابراین با توجه به اینکه قراردادهای مشارکتی برای انتخاب نامناسب و خطر اخلاقی بیشتر مستعد می‌باشند، بانک‌های اسلامی برای اینکه بتوانند کمتر از حد گزارش کردن سود یا ارائه اشتباه سود را کاهش دهند؛ باید تلاش کنند که گیرندگان تسهیلات را به بستن قراردادهای بلندمدت تشویق کنند.

روابط بلندمدت میان بانک و گیرنده تسهیلات، کارایی قراردادهای مشارکتی را از راه‌های دیگری نیز افزایش می‌دهد. برای مثال در قراردادهای تکرارشونده، به تدریج که بانک با رویه‌های حسابداری تسهیلات گیرنده آشنا می‌شود و معاملاتش را در طول چند دوره متوالی و تمدید شده، رسیدگی و بررسی می‌کند، هزینه‌های نظارتش کاهش خواهد یافت. در نتیجه بانک می‌تواند با لحاظ این موارد و در نظر گرفتن عملکرد بنگاه نسبت به بنگاه‌های مشابه در بازار، دقیق‌تر و راحت‌تر اظهار

-
- 1- Relationship Finance
 - 2- Multiperiod
 - 3- Gale & Helwing
 - 4 - Bashir
 - 5- One shot

نظر کند که آیا سود کمتر از حد گزارش شده یا سود کم ناشی از ناکارایی بنگاه و یا به خاطر رکود در آن بخش بوده است (هوبریچ^۱، ۱۹۸۹: ۲۰-۹)

بنابراین بزرگترین مزیت بالقوه روابط بلندمدت بانک، گیرنده تسهیلات در قراردادهای مشارکتی، اینجا هویدا می‌شود که گیرنده تسهیلات با علم به اینکه بانک علاقه زیادی در تضمین موفقیت بنگاه دارد؛ می‌تواند سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت‌تری را بر عهده بگیرد. این نکته را می‌توان به وسیله تعهد بنگاه‌های ژاپنی به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت منسوب به قراردادهای ضمنی تسهیم ریسک^۲، که یک بنگاه وام گیرنده با بانک رهبرش^۳ دارد، مستند نمود^۴ (میلز و پرسلی، ۱۹۹۹).

۵-۴-۸ محلی کردن واسطه‌های مالی^۵:

همان‌گونه که ذکر شد بانک‌ها اگر بخواهند بر مسئله خطرات اخلاقی غلبه کنند، باید به تأمین مالی بلندمدت و حسن شهرت تکیه کنند. چنین روابطی همراه با نظارت آسان بر قراردادهای، در یک نظام بانکداری منطقه‌ای غیر متمرکز^۶ راحت‌تر برقرار می‌شود. (میلز و پرسلی، ۱۹۹۹)

به گفته میلز و پرسلی (۱۹۹۹) دو مرحله برای بحث وجود دارد: اولاً مزیت‌هایی در غیر متمرکز کردن فرآیند تصمیم‌گیری برای تأمین مالی کردن وجود دارد، به ویژه هنگامی که تأمین مالی شونده‌ها بنگاه‌های کوچک ناشناخته یا فردی هستند. برای نمونه هالند^۷ (1994:375) پی‌برد که روابط بانکداری زمانی به بهترین نحو صورت می‌گیرد که قرارداد، بلندمدت، دقیق و عادلانه باشد و در طول گستره‌ای از خدمات بانکداری به کار رود.

- 1- Haubrich
- 2- Implicit risk-sharing Contract
- 3 - Lead Bank

۴- در طول دوره‌های رونق، این بانک دقیقاً بنگاه را نظارت می‌کند، به بنگاه وام بلندمدت می‌دهد، سهامش را نگه می‌دارد و نرخ بازده اضافی روی وام از طریق سپرده‌های دو جانبه (Reciprocal Deposit) در یافت می‌کند و در وضعیت‌های بحرانی و اضطراری بانک رهبر به بنگاه با نرخ بهره پایین وام می‌دهد، برای به تعویق انداختن سلب مالکیت و تعویض مدیران با اعتبار دهندگان دیگر هماهنگ می‌کند چنین رفتاری از بانک این اظهار نظر را پر رنگ می‌کند که در ژاپن بانک‌ها وظایف مشابه یک سهیم شونده در ریسک را انجام می‌دهند. پس تحمل زیان‌های جاری بنگاه‌ها توسط بانک‌های ژاپنی به این امید که در آینده جبران شود؛ ضرورتاً شراکت در بنگاه را نشان می‌دهد. در واقع آنچه در ژاپن به عنوان وام در نظر گرفته می‌شود، تمام ویژگی‌های تأمین مالی شراکتی را به همراه خود دارد. (میلز و پرسلی، ۱۹۹۹)

- 5 - Localized Financial Intermediaris
- 6 - Decentralized Regional Banking System
- 7- Holland

تحقق این شرایط هنگامی احتمال بیشتری دارد که مأموران مرتبط با وام در نزدیکی وام گیرندگان کار و زندگی کنند. زیرا آن‌ها راحت‌تر می‌توانند شهرت وام گیرندگان (تأمین مالی شوندگان) را بررسی کرده و عملیات را ساده‌تر بازبینی کنند. این‌ها دلایلی است که می‌گوید چرا وام‌های تجاری خرد در سطح شعبه‌ای، محلی اعطا می‌شوند. در واقع طبق گفته پورتوس^۱ (1993:238) بانکداری شعبه‌ای متعارف^۲ تلاشی در جهت حداقل کردن عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از فاصله است.

ثانیاً یک بانک ملی چند شعبه‌ای^۳ در مقایسه با مجموعه‌ای از بانک‌های منطقه‌ای مستقل اعتباراتش را به طور متفاوتی تخصیص خواهد داد. برای نمونه، یک بانک ملی ممکن است محدودیت‌های اعتباری آسان‌تری در محل شعبه مرکزی یا شعبات اصلی تصمیم‌گیری در هر منطقه وضع کند. دلیل این امر نیز هزینه کمتر مرتبط با جمع‌آوری اطلاعات و نظارت می‌باشد (چیک و دوو^۴، ۱۹۸۸: ۲۳۸). مأموران مرتبط با وام در یک بانک ملی مکرراً مکانشان را تغییر خواهند داد، بنابراین برای آن‌ها دشوار است که روابط بلندمدت به وجود آورند یا اطلاعات محلی درباره وام گیرندگان به دست آورند.

اساساً یک بانک منطقه‌ای با یک پایه سپرده‌ای محلی (نسبت به یک بانک ملی) با اعطای وجوه به تجارت‌های محلی موفق به آثار جانبی مثبت بیشتری دست خواهد یافت. بنابراین محدودیت‌های کمتری روی وام دادن اعمال می‌کند. لذا می‌توان گفت که تصمیمات وام دادن به بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌تواند به نحو مؤثرتری توسط بانک‌های منطقه‌ای در مقابل بانک‌های ملی چند شعبه‌ای، صورت گیرد.

با استناد به این دو نکته، به نظر می‌رسد بانک‌های اسلامی در قراردادهای مشارکتی هنگامی در کاهش دادن عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نظارت موفق‌تر خواهند بود که اعطای تسهیلات آن‌ها به بنگاه‌های کوچک و ناشناخته توسط بانک‌های منطقه‌ای، که می‌توانند از طریق برقراری روابط بلندمدت و تکیه بر شهرت، خطرات اخلاقی را راحت‌تر کاهش دهند، صورت گیرد. در این صورت بدیهی است که بانک‌های ملی نیز می‌توانند شرکت‌های بزرگتر را تأمین مالی کنند.

۵-۴-۸ گرایش به بانکداری تخصصی:

یکی دیگر از راه‌های کاهش اطلاعات نامتقارن، این است که بانک‌های اسلامی به صورت بانک‌های تخصصی فعالیت کنند. در واقع هر بانکی در زمینه تخصصی خود اقدام به اعطای تسهیلات کند.

-
- 1- Porteous
 - 2- Conventional Branch Banking
 - 3 - Multibranch National Bank
 - 4 -Chick & Dow

برای مثال بانک تخصصی کشاورزی، پس اندازهای افراد را جمع‌آوری کرده و از طریق قراردادهای اسلامی اقدام به اعطای تسهیلات به فعالیتهای کشاورزی می‌کند. با توجه به این‌که بانک تخصصی کشاورزی تنها در زمینه فعالیتهای کشاورزی فعالیت می‌کند؛ آگاهی بیشتری نسبت به طرح‌ها و پروژه‌های کشاورزی پیدا می‌کند. بنابراین هزینه ارزیابی طرح‌ها و مسئله انتخاب نامناسب کاهش می‌یابد. هم‌چنین با وجود طرح‌های سرمایه‌گذاری مشابه از یک طرف هزینه‌های نظارت و کنترل این طرح‌ها کاهش می‌یابد و از طرف دیگر احتمال کمتر از حد گزارش کردن سود و در نتیجه مسئله خطرات اخلاقی نیز کاهش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی آن‌چه آمد می‌توان، توجه به نقش نوآوری در روش‌ها و راهکارها و امکان کاهش اطلاعات نامتقارن به شیوه‌های ذیل از موجه بودن صرف هزینه‌های نظارت و کنترل در عقود مشارکتی اطمینان حاصل نمود:

- ۱- نهادینه کردن شاخص‌های سرمایه اجتماعی در میان مسلمانان از طریق برپایی عدل و قسط میان مردم، رواج حسنات و نکوهش رذیلت‌های اخلاقی، تأکید به رعایت آداب معاملات، سفارش در جهت برآوردن نیازهای مردم و
- ۲- از بین بردن مشکل اطلاعات نامتقارن در بازارهای مالی، با وضع مقررات لازم، جهت وادار کردن شرکت‌ها به انتشار اطلاعات در مورد وضعیت‌شان .
- ۳- شکل‌دهی چارچوب نهادی متناسب با بانک‌های اسلامی از طریق تأسیس نهادهایی مانند: بانک‌های سرمایه‌گذاری اسلامی، مؤسسات اعتبارسنجی اسلامی، شرکت‌های بیمه اسلامی، مؤسسات امین اسلامی، مؤسسات مشاوره سرمایه‌گذاری، صندوق‌های مشاع اسلامی، نهادهای ناظر قانونی و شرعی و
- ۴- استفاده بانک‌ها از ابزارهای وثیقه و ضمانت شخص ثالث برای تأمین مالی.
- ۵- تأمین مالی شرکت‌های دارای ارزش ویژه بالا توسط بانک‌ها.
- ۶- کاهش اطلاعات نامتقارن با اجرای قراردادهای مقید از جمله بیمه پروژه‌های سرمایه‌گذاری، یا ارائه گزارش‌های حسابداری به طور دوره‌ای و مداوم .
- ۷- ایجاد زمینه برای بروز حسن شهرت توسط بانک مرکزی یا دولت.
- ۸- تشویق گیرندگان تسهیلات به بستن قراردادهای بلندمدت به ویژه به شیوه چند دوره‌ای.
- ۹- اعطای تسهیلات به بنگاه‌های کوچک و ناشناخته توسط بانک‌های منطقه‌ای به منظور کاهش خطرات اخلاقی و تأمین مالی شرکت‌های بزرگتر توسط بانک‌های ملی.
- ۱۰- فعالیت بانک‌های اسلامی در قالب بانک‌های تخصصی

منابع

۱. پژوهشکده پولی و بانکی (۱۳۹۰)، «مراجعه، خرید دین و استصناع»، تهران: انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی.
۲. صدر، سید کاظم، (۱۳۸۴) «انتخاب کارآمد ابزارهای مالی اسلامی و اطلاعات نامتقارن»، نامه مفید (نامه اقتصادی)، ج ۱ ش ۱.
۳. عیوضلو، حسین و میسمی، حسین (۱۳۸۷) «بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۳۱
۴. منظور، داوود و همکاران (۱۳۸۷) «بانکداری اسلامی در رقابت با بانکداری متداول: موانع و چالش‌های پیش‌رو»، مجموعه مقالات نوزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: موسسه عالی بانکداری ایران، چاپ اول.
۵. موسویان، سید عباس (۱۳۸۴) «ارزیابی قراردادهای شیوه‌های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۱۹.
۶. همان (۱۳۸۱ الف) «آثار اقتصادی جایگزینی نظام مشارکت به جای نظام بهره»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش
۷. همان (۱۳۸۱ ب)، بانکداری اسلامی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، چاپ سوم.
۸. جهانخانی، علی و پارسایان، علی، (۱۳۷۸)، پول و ارز و بانکداری، تهران: انتشارات سمت، ترجمه کتاب Money, currency and banking تألیف F.Mishkin.
۹. نظری پور، محمد نقی و منتظری مقدم، مصطفی (۱۳۸۷) «فرهنگ اعتمادساز در اندیشه دینی و نقش آن در توسعه اقتصادی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۳۱.
۱۰. نوری احمدآبادی، حبیب (۱۳۸۹)، «بررسی مزیت‌های بانکداری اسلامی با رویکردی بر بحران‌های مالی و اقتصادی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران.
11. ARROW, Kenneth J (1971). Essays in the Theory of Risk-Bearing, Amsterdam, North-Holland Pub. Co .
12. Bashir, B.A (1983) Portfolio management of Islamic banks: certainty model” , journal of banking & finance, no 7.
13. Chick, V & Dow, S.C (1988) A Post-Keynesian Perspective on the Relationship between banking & regional development , post-keynesian monetary economics. in arestis. P. edition.
14. Chong, B.S & Liu, M.H (2008) Islamic Banking : Interest-Free or Interest-Based?, Pacific-Basin Finance Journal, vol 17.
15. Gale, D & Helving, M (1985) Incentive- Compatible Debt Contracts : The One-Period Problem, Review of Economic Studies, vol 52.

16. Jensen, m.c & Meckling, w (1976) Theory of The Firm : Managerial Behaviour, Agency Costs and Ownership Structure, Journal of Financial Economics, October.
17. Haubrich, j (1989) Financial Intermediation- Delegated Monitoring & Long-Term Relationships , Journal of Banking & Finance .
- 18- Holland, j (1994). Banking Lending Relationships and the complex nature of bank – corporate relatins, Journal of Business finance and accounting, April.
19. Mills, p.s & Presley, j.r (1999) Islamic finance : Theory & practice, London , macmillan press LTD.
20. Nienhaus, v (1983) Profitability of Islamic pls banks competing with interest banks : Problems and prospects, Journal of Research into Islamic Economics, vol 1, no 1.
- 21 . Porteous, D (1993) “ The spatial dimension of intermediary behavior ”, Unpublished, Ph.d thesis, yale university, novamber.
22. Prayor, F.L (1985) “ The Islamic economic system”, Journal of Comparative Economics , vol 9 , no 2.
23. sole, juan (2007). “Introducing Islamic Banks into Conventional Banking Systems” IMF, WP/07/175.

